

غرب و اوکراین: مروری بر تهیه نمایشها (۱)

<http://www.fondsk.ru/news/2014/02/07/zapad-i-ukraina-perebiraja-scenarnye-zagotovki-i-25616.html>

۲۴ دلو ۱۳۹۲

در آستانه افتتاح بازیهای المپیک سوچی، دبیر کل سازمان ملل متحد ضمن ادای احترام به سنن المپیک، با صدور بیانیه ای خواستار دفن همه «شمشیرهای جنگ» در دوره بازیها شد. سند سازمان ملل متحد یادآوری می کند، که قانون متارکه المپیک در یونان باستان، ناظر بر آتش بس میان همه طرفهای متخاصم در مدت بازیها بود. اما هجوم رسولان آمریکا و اتحادیه اروپا به کییف، حمایت آشکار آنها از مخالفان ضد دولتی در «میدان اروپا»، حکایت از آن می کند، که از نظر سازماندهان «تشنجات اخیر» جنگ سرد در اوکراین، چیزی بنام مقررات المپیک وجود ندارد.

از میان اقدامات قابل توجهی که غرب در هفته های اخیر بعمل آورده، نه تنها تمرینات ناتو در کاربست عملی ماده مهاجم ۵ معاهده واشنگتن، نه فقط تهدید کنگره آمریکا مبنی بر اعمال تحریمها علیه دولت اوکراین در صورت اقدام به برخورد قانونی با محرکین اغتشاشات، بلکه جلسه دسامبر (۲۰۱۳) پارلمان اتحادیه اروپا، که در آن اروپا اعضای احتمالی «دولت موقت اوکراین» را برای اولین بار معرفی کرد، بیش از همه چشمگیر بودند...

جلسات علنی با فعالان اپوزیسیون دولت اوکراین «از میدان تا پارلمان اروپا»، که رسانه های جهانی با سکوت خیره سرانه از کنار آن گذشتند، برای درک بهتر طرحهای وسیعاً بکار بسته شده رایج در ساقط کردن دولتهای قانونی، دارای اهمیت خاصی می باشند.

جلسه با سخنرانی **ربکا هرمس**، رئیس فراکسیون «سبزها» در پارلمان اروپا شروع شد، اما صحنه گردان اصلی «میدان اروپا» در استراسبورگ نه او، بلکه سرکرده دیگر همان فراکسیون «سبزها» در پارلمان اروپا، **دانیل کوهن بندیت**، بازیگر شورشهای ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه برای

سرنگونی شارل دوگل بود. آن هنگام هنوز اروپا سر و صدای جهانی دفاع از حقوق فواحش را بلند نکرده بود، ولی، در طرح کوهن بندیت، بر «انقلاب جنسی» تأکید شده بود که «آزادی توان جنسی انسان با خصوصیات انحرافی را بمنظور تقویت اعتراضات جوانان» در نظر می گرفت. خود شورشگر سابق، که پس از شورشهای فرانسه به وطن خودش، آلمان اخراج گردید، چیزی نمانده بود بدلیل ماجراهای بچه بازی یا تخیلات خود، خودش را از نمایندگی در پارلمان اروپا محروم سازد. هنگام کار در مهد کودک در آلمان، او کتابی در باره «شوخی های کوچک» خود با کودکان منتشر ساخت. زمانی که کوهن بندیت خود را نامزد نمایندگی در پارلمان اروپا کرد، مخالفان این کتاب افشاگری کردند، هیاو براه افتاد و این فرد انقلابی را به بچه بازی متهم نمودند، اما پرونده با این توضیح که محتویات زشت و تکاندنده کتاب، محصول «تخیلات مؤلف» بوده، بسته شد.

خلاصه، برای او، نه بعنوان قهرمان شورشهای ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه و طرفدار سرسخت سرنگونی رژیمهای لیبی و سوریه، تقبل نقش سرپرست «انقلابیون» اوکراین در ارتقاء به اولین پله در پارلمان اروپا مهم است. هنوز نسل کهنسال شورشیان فرانسه، شاید فراموش نکرده اند که در هنگام طرح کوهن بندیت دایر بر بازگرداندن «یهودیان شورشی صادره از آلمان» به مراکز تحصیل، چگونه آنها همصدا فریاد می زدند: «ما همه، یهودیان آلمان هستیم». امروز این قالب تحریک آمیز به شعار «ما همه اوکراینی هستیم»، در دهان نمایندگان کراوات نارنجی کنگره آمریکائیان تبدیل شده است. بعدا، همه آنها گرجستانی خواهند بود... اکنون کشورهای «جامعه جهانی» سعی می کنند «الگوی تغییر» را در قالب نئونازیسم عرضه نمایند...

در همان ابتدای مراسم افتتاح انجمن امنیت، رئیس جمهور آلمان، یواخیم گائوک اعلام کرد، که زمان آن است که میهن او خود را از «احساس گناه» بخاطر جنگ جهانی دوم برهانیم، در ممانعت از مناقشات بین المللی قاطعانه مشارکت نمائیم و «زمانیکه کار به اتخاذ تدابیر شدید و رجوع به آلمان برسد، باید اصول را کنار بگذاریم». بگفته رئیس جمهور آلمان، «به رژیمهای خشن نباید اجازه پنهان شدن در پشت اصول حق حاکمیت ملی و عدم مداخله داده شود». همین عقیده را وزیر دفاع آلمان، اورسولا فون در لاینر با بیان اینکه «موضع جهانی آلمان عبارت از مداخله مسئولانه در هر مناقشه ای میباشد که ضروری تشخیص دهد»، تکرار کرد.

این تصور پیش می آید، که آلمان در آغاز دور جدید تقابل ژئوپلیتیک سعی می کند بر قاطعیت تهاجمی آمریکا پیشی بگیرد. فصاحت بی سابقه بوکسور ویتالی کلیچکو در یک کنفرانس

معتبر، که آلمانها آشکارا خارج از استعداد او تنظیم کرده بودند، ناشیانه از **جون کری** وزیر خارجه آمریکا که همراه با **آرسن یاتسنیوک** «طرح مارشال جدید» برای اوکراین را تنظیم کرده است، سبقت گرفت...

مباحثه روسیه با «دوستان» غربی در کنفرانس مونیخ بسیار گویا بود. حمله نمایشی به «مداخله یکجانبه» روسیه در امور داخلی اوکراین فضای نشست «دوستان خودخوانده لیبی» و سپس «دوستان سوریه» را دوباره احیاء کرد. بی تردید، انجمن کنونی نمایش «دوستان اوکراین» با ویژگی ثابت حاکمیت خیالی دوگانه و نادیده گرفتن حاکمیت قانونی آن از سوی «جامعه جهانی» را در کنفرانس مونیخ تمرین کردند. ویتالی کلیچکو، آرسن یاتسنیوک و **پتر پاراشنکو** بعنوان یکی دیگر از اعضای گروه شریک در «دولت موقت» از نوع دولتهای کودتایی به نمایش مونیخ دعوت شده بودند. علت عدم دعوت **اولگ تیاگنیوک** ضد یهودی به نمایشهای استراسبورگ و مونیخ قابل درک است. همچنین واضح است که چرا پرسش **ولادیمیر پوتین** از نشست «اتحادیه اروپا- روسیه» در خصوص سکوت در مقابل حمله نئونازیها به اوکراین، که بار دیگر از طرف **سرگئی لاوروف** در کنفرانس مونیخ مطرح گردید، همچنان بی پاسخ ماند. سرگئی لاوروف پرسید: «تحریک شورشهای خیابانی که روز بروز شکل خشن تری بخود می گیرد، چه قرابتی با ترویج اصول دمکراسی دارد؟ پس چرا صدای تقبیح کنندگان اشغال ادارات دولتی که تا کنون در کنترل خود دارند، به دسته های پلیس حمله می برند، آنها را تحریک می کنند، شعارهای نژادپرستانه، ضدیهودی و ناسیونالیستی سر می دهند، شنیده نمی شود؟ چرا بسیاری از سیاستمداران برجسته اروپا که در کشور خود پاسخ کوچکترین تخلف از قانون را با سرکوب شدید می دهند، عواملان چنین اقداماتی را تشجیع می نمایند؟ پاسخ این سؤاها را خوانندگان می توانند در اثر تحقیقی **دانیل گانسر** تحت عنوان: «ارتش سرّی ناتو- عملیات گلا دیو و تروریسم در اروپای غربی» بیابند.

سیاستمداران غربی و رسانه های جهانی در خصوص بیگانه ستیزی افراطی نئونازیهای اوکراین کاملاً سکوت می کنند. شگفت آور است که انسانهای معقول، در آمریکا که جای خود دارد، حتی در اسرائیل هم با سر و صدای زیاد از «چماقداران ضد یهودی» حمایت می کنند. (کارل مارکس، فیلسوف، جامعه شناس، تاریخدان، اقتصاددان و اندیشمند انقلابی می گوید: تاریخ دو بار تکرار می شود: بار اول، بصورت فاجعه (تراژدی)، بار دوم، بصورت مضحکه (کمدی)... حمایت اسرائیلی ها از چماقداران ضدیهودی، یادآور حوادث ناگوار

کشتار یهودیان بدست نازیهای آلمان است که اتفاقا با برنامه ریزی و تأمین مالی انجمن صهیونیستی انگلیس برهبری روچیلدها اجرا شد. مترجم) تناقض؟ ابدأ. این، نمایش نوبتی تکبر آنگلو ساکسونها و شرکای آنها، اطمینان آنها به «ویژگی عقلانی» خود، به برتری خود، به قابلیت خود در «مدیریت هرج و مرج» است. این اتکاء نوبتی آنها بر تروریستهای «معتدل»، به عاملان قتل وحشیانه سفیر آمریکا در بنغازی، به همان «تروریستهای میانه رو» دست پرورده آمریکا، هیچ چیزی به پدیدآوردگان سناریوهای تحریک آمیز نیاموخت. در خود آمریکا آتش مباحثات دایر بر طرد اکید سیاستهای لاس زنی با چنین «متحدانی» زبانه می کشد. مباحثات زمانی که در آخر ماه ژانویه سال جاری، «ارزیابی» جیمس کالپر، مدیر اطلاعات ملی آمریکا «از خطر» منتشر شد، به نقطه غلیان خاصی رسید. ارزیابی کالپر نشان می دهد، که خطر تروریسم برای آمریکا، نه تنها در طول ۱۰ سال گذشته کاهش نیافته، بلکه، مشکلات جدی دیگری هم بوجود آورده است. جوّ ضد آمریکائی بعد از انقلابات عربی بشدت در جهان عرب تقویت شده، «پس از انقلاب»، گرایشات بسوی حق حاکمیت ملی و حل و فصل مناقشات منطقه ای بدون مشارکت آمریکا تحکیم یافته است.

ادامه دارد...